

بررسی تعدیل وجه التزام در حقوق و اسناد بین‌المللی

هادی روستا^۱، جعفر هاشمی باجگانی^۲✉، امیرمحمد صدیقان^۳

چکیده

زمینه و هدف: از مسائل بحث‌برانگیز در حقوق قراردادها مسئله تعدیل وجه التزام می‌باشد؛ زیرا توافق طرفین بر خسارت ناشی از نقض قرارداد در لوای اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود. بر این مبنای بررسی این امر می‌پردازیم که آیا وجه التزام قراردادی طرفین قابلیت تعدیل دارد؟ و همچنین این امر در نظام حقوقی ایران به چه نحو می‌باشد؟ در حقوق برخی کشورها و اسناد بین‌المللی به این موضوع پاسخ روشنی داده شده است.

روش: روش گردآوری اطلاعات این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای است. روش تحلیل داده‌ها، به صورت تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها و نتایج: تعدیل وجه التزام در حقوق فرانسه در برخی موارد پذیرفته شده و در انگلستان شرط وجه التزام برخلاف شرط تعیین خسارت باطل است و نهایتاً در اسناد بین‌المللی، اصول قراردادهای اروپایی و اصول تجاری بین‌المللی شرط معمولی وجه التزام قابل تعدیل نیست، اما شروط فوق‌العاده گزاف قابل تعدیل است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که در حقوق ایران در رأی وحدت رویه‌ای شماره ۸۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ وجه التزامی که طرفین در قرارداد بر آن صحنه گذاشته‌اند، قابلیت تعدیل از جانب مقام قضایی را دارا نمی‌باشد که محل انتقاد است.

کلید واژه‌ها: تعدیل، وجه التزام، اسناد بین‌المللی.

* استناددهی (APA): روستا، هادی؛ هاشمی باجگانی، جعفر؛ صدیقان، امیرمحمد. (۱۴۰۰). بررسی تعدیل وجه التزام در حقوق و اسناد بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴(۵۴)، ۹۳-۱۱۳.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_687006.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. رایانامه: hadiroosta60@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: sjafarhashemi@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. رایانامه: seditqian@yahoo.com



مقدمه

وجه التزام که از آن به شرط خسارت، خسارت مقطوع یا خسارت قراردادی تعبیر می‌شود، عبارت است از آنکه متعاقدین در زمان انعقاد قرارداد، مالی را به‌عنوان جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد تعیین نماید. در واقع چنین شرطی ابزاری با دو کارکرد متفاوت، برای دو مقطع زمانی مختلف است. (پاسبان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵) التزام در لغت به معنای همراه بودن، ملازمه شدن، به گردن گرفتن، ملزم شدن به امری می‌باشد و در اصطلاح نیز التزام (وجه التزام) از آن جهت که معمولاً طرفین در ضمن عقد معین می‌کنند، نزدیک معنای لغوی آن می‌باشد. وجه التزام مبلغی است که متعاقدین در حین انعقاد عقد، به‌موجب توافق، خواه ضمن همان قرارداد اصلی باشد، خواه به‌موجب موافقت‌نامه مستقل که در این صورت باید پیش از بروز تخلف متعهد، از تعهد باشد، به‌عنوان میزان خسارت مادی یا معنوی محتمل‌الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد و یا ناشی از تأخیر در اجرای تعهد پیش‌بینی کرده و بر آن توافق می‌کنند (قربان‌وند، ۱۳۸۴: ۸۹).

اصل حاکمیت اراده بیانگر این امر می‌باشد که توافق طرفین در تشخیص مبلغ خسارت معتبر و الزام‌آور است، تعیین وجه التزام علاوه بر عدم اجرای تعهد هنگام تأخیر در انجام تعهد نیز معتبر و صحیح می‌باشد. گاهی طرفین قرارداد زیان ناشی از نقض را از قبل مشخص و معین می‌نمایند و مبلغی را به‌صورت قطعی قرار می‌دهند که در صورت نقض تعهد به شخص مقصر پرداخت می‌گردد. ممکن است طرفین در قرارداد بر تعدیل وجه التزام شرط نموده باشند که تعدیل شامل کاهش و افزایش میزان خسارت مشخص شده می‌باشد. رعایت توازن و انسجام میان تعهدات متقابل و ضرورت پیش‌بینی نتایج قرارداد، دولت‌ها را از تجاوز به توافق، بطلان یا تعدیل آن باز می‌دارد.

از نظر قانون‌گذار، توافقی که در خصوص شروط قرارداد انجام می‌شود از قصد و رضای طرفین ناشی می‌شود و قاضی نمی‌تواند به بهانه رعایت عدالت یا اخلاقی نمودن شرط آن را تغییر دهد و بایستی به‌طور کامل آن را اجرا نماید. این نتیجه، در مسئولیت‌های قراردادی قطعی است (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) و در مسئولیت‌های غیرقراردادی نیز با تمام تردیدهایی که در این مورد وجود دارد، قبول این نکته با منطق حقوقی بیشتر سازگار می‌باشد.

در قوانین کشورهای مختلف و همچنین اسناد بین‌المللی نیز موضوع وجه التزام مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی حقوق کشور فرانسه (در رابطه با تعدیل وجه التزام) یک قاعده تکمیلی مجاز بوده است، در صورتی اجرای بخشی از قرارداد تعدیل شده کیفری امکان‌پذیر است که آن نیز وابسته به شرایطی از جمله تجزیه‌پذیری تعهد و فقدان شرط خلاف، توسط طرفین است؛ و در ماده ۱۲۳۱ طرح اصلاحی حقوق و تعهدات فرانسه ۲۰۱۶ این حق برای قاضی معتبر شناخته شده که ضمانت اجرای مورد توافق را چنانچه به نحو واضح زیاد باشد، تعدیل نماید. در حقوق انگلستان نیز در خصوص خسارت مقطوع، برخی از نویسندگان معتقدند که چنانچه

خسارت واقعی از میزان شرط بیشتر باشد، شخص متخلف بایستی بتواند خسارت واقعی خود را که بالاتر است، مطالبه نماید. در اسناد بین‌المللی نیز برخی اسناد وجه التزام و تعدیل در آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و در برخی اسناد دیگر این موضوع پیش‌بینی نشده است، لذا در مقاله پیش رو با یک نگاه تطبیقی ضمن بررسی مفهوم وجه التزام به امکان تعدیل وجه التزام خواهیم پرداخت و بررسی این امر که آیا امکان تعدیل وجه التزام در قراردادهای وجود دارد یا خیر؟ و نگاه قوانین و رویه قضایی به این امر چگونه است؟ روش تحقیق استفاده شده در این مقاله، روش تحلیلی-توصیفی است و منابع مورد استفاده عبارت‌اند از: جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از کتب، اسناد بین‌المللی، مقالات و همچنین از فیش‌برداری به‌عنوان ابزار مطالعه استفاده شده است.

۱. بررسی ماهیت وجه التزام

چنانچه طرفین قرارداد توافق نموده باشند که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای تعهد مبلغ معینی را پرداخت نماید، در این مورد اثبات زیان ضروری نخواهد بود و در صورت تخلف متعهد، متعهدله می‌تواند پرداخت مبلغ فوق را که وجه التزام نام دارد از وی درخواست نماید، اگرچه هیچ‌زانی به وی نرسیده باشد. (صفایی، ۱۳۸۵: ۲۰۹) در حقوق ایران شرطی که میزان خسارت را مقطوع می‌کند با عناوینی مانند شرط جزایی یا کیفری و وجه التزام یاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۱۳) و در حقوق انگلیس عنوان پنالتی کلاوز^۱ شناخته شده است.

در ماده ۲۳۰ قانون مدنی در این مورد بیان شده: «اگر در معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه تعیین نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.» اصل حاکمیت اراده مقتضی این امر می‌باشد که توافق طرفین در تشخیص مبلغ خسارت معتبر و الزام‌آور است، تعیین وجه التزام علاوه بر عدم اجرای تعهد هنگام تأخیر در انجام تعهد نیز معتبر و صحیح می‌باشد. (صفایی، ۱۳۸۵: ۲۰۹) ماده ۵۱۵ قانون جدید آیین دادرسی مدنی نیز مقرر داشته: «در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.»

به بیان دیگر گاهی طرفین قرارداد زیان ناشی از نقض را از قبل مشخص و معین می‌نمایند و مبلغی را به صورت قطعی قرار می‌دهند که در صورت نقض تعهد به شخص مقصر پرداخت می‌گردد. اهمیت این قیمت مقطوع در حقوق داخلی و هم در روابط تجاری بین‌المللی و قراردادهای بین‌المللی دیده می‌شود، با وجود اهمیتی که شرط وجه التزام در قراردادهای بین‌المللی دارد؛ اما در کنوانسیون لاهه ۱۹۶۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ به این شرط اشاره‌ای نشده است، اما این امر به معنای بی‌اعتباری این شرط نمی‌باشد؛ آثار و اعتبار این شرط به حقوقی وابسته می‌باشد که

1. Penalty clause

مطابق مقررات تعارض قوانین مقرر شده است (لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۷۴).

وجه التزام که به شرط خسارت یا خسارت مقطوع یا خسارت قراردادی معنی می‌شود در حقیقت دو کاربرد مختلف برای دو مقطع زمانی متفاوت است؛ هنگام اجرای قرارداد همانند ابزاری جهت تضمین اجرای تعهد و هنگام نقض قرارداد برای جبران خسارت ناشی از تخلف و مجازات متعهد متخلف کاربرد دارد (سماواتی، ۱۳۸۵: ۶۴).

توافق بر خسارت ناشی از نقض قرارداد، در حقوق فرانسه شرط کیفری نام دارد، اعم از اینکه مقدار شرط برابر یا بیشتر و یا کمتر از خسارت حقیقی باشد. در حقوق کشور انگلیس توافق بر خسارت به دو دسته خسارت مقطوع و شرط کیفری تقسیم‌بندی می‌شود، شرط کیفری در معرض کنترل و ملاحظه قضایی قرار دارد. در حقوق ایران نیز اگرچه قانون مدنی در مورد توافق طرفین قرارداد بر خسارت عنوانی بیان نموده است، اما در بعضی دیگر از قوانین از جمله تبصره‌های ۴ و ۵ ماده ۳۴ قانون ثبت سابق، از واژه وجه التزام استفاده نموده و رویه قضایی و دکترین از این عنوان بهره گرفته‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۲۸).

همان‌طور که از تعریف وجه التزام برمی‌آید خصوصیت قراردادی بودن آن است به این صورت که طرفین در قرارداد بخصوصی در رابطه به عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن مبلغ معینی را به‌عنوان وجه التزام قرار می‌دهند. پس لازمه مطالبه چنین مبلغی وجود قراردادی معین و قرار دادن مبلغی معین است و در این مباحث شبهه‌ای به اصل قراردادی بودن اصل وجه التزام و مبلغ آن نیست؛ اما در رابطه با تعدیل چنین وجه التزامی ابتدا باید تعریف تعدیل مورد اشاره قرار گیرد، سپس به نظریات و مباحث حول آن پرداخته شود.

۲. تعدیل وجه التزام

ممکن است طرفین در قرارداد بر تعدیل وجه التزام شرط نموده باشند که تعدیل شامل کاهش و افزایش میزان خسارت مشخص شده می‌شود. در این قسمت به بررسی این مطلب و همچنین اینکه سهم قاضی در تعدیل شرط وجه التزام چگونه و به چه میزان می‌باشد، پرداخته شده است.

از مسائل بحث‌برانگیز در حقوق قراردادها مسئله تعدیل وجه التزام می‌باشد؛ زیرا توافق طرفین بر خسارت ناشی از نقض قرارداد در لوای اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود. رعایت توازن و انسجام میان تعهدات متقابل و ضرورت پیش‌بینی نتایج قرارداد، دولت‌ها را از تجاوز به توافق، بطلان یا تعدیل آن باز می‌دارد؛ اما در بعضی سیستم‌های حقوقی با توجه به دخالت دولت‌ها در روابط اقتصادی، رعایت نظم عمومی و انصاف و حتی به بهانه ایجاد تعادل در روابط قراردادی سبب برانگیختن بحث تعدیل شرط وجه التزام شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

همان‌گونه که اشاره شده در ماده ۲۳۰ قانون مدنی دادگاه از تعدیل وجه التزام منع شده است، این

امر در ضمان قهری نیز اجرا می‌شود. قابل ذکر است که «در مسئولیت‌های غیر قراردادی شرط وجه التزام به‌ندرت دیده می‌شود و مبلغ مشخص شده را نیز وجه التزام نمی‌گویند، آن چنانکه، اگر صاحب کارخانه‌ای با باغداران اطراف خود توافق نماید که چنانچه در اثر آلوده شدن هوا به درختان آنها آسیب وارد شود، مبلغ مشخصی پرداخت نماید، این پول را وجه التزام می‌نامند، به همین دلیل اصطلاح شرط جزا از حقوق اروپا اقتباس نموده‌ایم» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

از نظر قانون‌گذار، توافقی که در خصوص شروط کیفری انجام می‌شود از قصد و رضای طرفین ناشی می‌شود و قاضی نمی‌تواند به بهانه رعایت عدالت یا اخلاقی نمودن شرط آن را تغییر دهد و بایستی به‌طور کامل آن را اجرا نماید (ماده ۱۰ قانون مدنی) این حکم نشان‌دهنده لزوم جبران ضرر به‌طور کامل (قاعده لا ضرر) و ایجاد تعادل و توازن میان زیان وارده و خسارت، قاعده‌ای امری نیست و طرفین قرارداد می‌توانند به دور از قوانین امری نسبت به میزان آن توافق نمایند. این نتیجه، در مسئولیت‌های قراردادی قطعی است (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) و در مسئولیت‌های غیر قراردادی نیز با تمام تردیدهایی که در این مورد وجود دارد، قبول این نکته با منطق حقوقی بیشتر سازگار می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۳۱).

در رابطه با تعدیل همان‌گونه که از تعریف برمی‌آید، کاستن یا افزودن به مبلغ معین شده توسط طرفین قرارداد تعدیل گفته می‌شود که ممکن است به دلایل مختلفی استدلال شود از جمله ورود انصاف در قرارداد و یا حاکمیت قانون و موارد این‌چنینی. گاهی اصطلاح تعدیل قرارداد ممکن است این‌گونه استدلال شود که قرارداد خصوصی نمی‌تواند مانع اعمال حاکمیت دولت گردد و افراد جامعه را با قراردادهای نابرابر تحت سیطره قرار دهد؛ اما در رد این استدلال بایستی عنوان نمود که همان‌طور که از ماهیت وجه التزام برمی‌آید، این نوع جبران خسارت قراردادی می‌باشد و طرفین برای ایفای بهتر قرارداد، آن را میان خود منعقد نموده‌اند و این خصوصیت قراردادی به دلیل اصل لزوم قراردادها و اصل نسبی بودن قرارداد، میان طرفین قرارداد حکم فرما می‌باشد؛ بنابراین دخالت دولت با هر عنوانی در این سیطره دخالت در امور قرارداد دیگران و خدشه به اصل لزوم و نسبی بودن قرارداد است. برای تبیین بهتر موضوع در یک بررسی تطبیقی ذیلاً به چگونگی تعدیل یا به عبارتی پذیرش تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی فرانسه و انگلستان پرداخته شده است.

۲-۱. تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی فرانسه

مطابق مواد ۱۱۵۲ و ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه، دادرس حق افزایش یا کاهش شرط کیفری را ندارد، اگرچه کیفر را ناکافی یا کم یا اضافه تشخیص دهد. آنچه در ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی بیان شده یک قاعده تکمیلی مجاز بوده است، در صورتی اجرای بخشی از قرارداد تعدیل شده کیفری امکان‌پذیر است که آن نیز وابسته به شرایطی از جمله تجزیه‌پذیری تعهد و فقدان شرط

خلاف، توسط طرفین است. بررسی رویه قضایی کشور فرانسه، قبل از اصلاحیه قانونی سال ۱۹۷۵ نشان دهنده این است که دیوان کشور به طور قطع قاعده مذکور در ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی مبتنی بر تعدیل ناپذیری شرط کیفری را حفظ نموده است، ولو اینکه شرط کیفری در مقایسه با خسارت واقعی بسیار زیاد یا بسیار کم باشد، به گونه‌ای که دادرس اجازه ندارد در صورت اثبات حوادث غیرقابل پیش‌بینی و قوه قاهره مبادرت به اصلاح حکم و التزام نماید. این درحالی است که دادگاه‌های تالی به صورت طبیعی مایل بوده‌اند تا کیفر را به مبلغ خسارت واقعی کاهش دهند؛ لذا با استفاده از مفاهیم برگرفته از نظریه عمومی تعهدات با هدف بازگشت انصاف در تعدیل شروط کیفری بیهوده تلاش نموده‌اند (لانگ^۱، ۱۹۷۶: ۸۷۶).

از دیگر راه‌حل‌ها، مفهوم «سبب تعهد» است که از حقوق بلژیک وارد کشور فرانسه شده است، این مفهوم تأکید می‌کند که تعهد به پرداخت یک جریمه اضافه بدون دلیل است یا اینکه سبب به کاررفته در آن، نامشروع و ناروا است، اما این توجیه بدون بررسی و تردید توسط دیوان کشور رد شده است (مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

همچنین از دیگر مفاهیمی که در راستای تلطیف شروط جزای ظالمانه، مورد استفاده قرار گرفت مفهوم «تقلب نسبت به قانون» است؛ نرخ بهره مذکور در قرارداد وام، به صورت عرفی و قانونی بوده است، اما در کنار آن شرط جزای تحمیلی به وام‌گیرنده به شیوه‌ای ارزیابی می‌گردید که مزایای بسیاری برای وام‌گیرنده فراهم می‌کرد. به این صورت که در حقیقت نرخ بهره چنانچه بدهی در سررسید پرداخت نمی‌شد، افزایش می‌یافت و مدیون بایستی علاوه بر آن مبلغی بابت تأخیر روزانه به عنوان شرط جزایی پرداخت می‌کرد. بعضی از دادگاه‌های تالی به علت تقلب نسبت به قوانین امری رأی و با استفاده از پوشش کیفری به جهت دستیابی به ربا، شرط را زایل و مقدار آن را تقلیل دادند؛ اما دیوان کشور فرانسه به صورت انعطاف‌پذیری بیان داشت که شرط جزایی مشخص‌کننده زیان، توسط مدیون در صورت عدم اجرای تعهد قابل پرداخت است و صرفاً به عنوان ضمانت اجرای تخلف مدیون عمل می‌کند، بنابراین در شمول مقررات پرهیز از ربا نمی‌باشد (همان منبع: ۱۰۹).

به این صورت در تعدیل شرط جزایی یک بن‌بست کامل به وجود آمده بود و از سال ۱۹۷۰ بعضی از حقوق‌دانان با تکیه بر آموزه‌های حقوقی تاریخی و تطبیقی، صریحاً تقاضای اعمال اصلاحیه قانونی را عنوان نمودند تا دادرس قدرت تجدید نظر در شروع جزایی گزاف را داشته باشد. دیوان کشور فرانسه نیز در سال ۱۹۷۲ ضرورت اخلاقی عدم اجرای شروط کیفری را مورد تأکید قرار داد. سرانجام ۹ ژوئیه ۱۹۷۵ با اصلاح مواد ۱۱۵۲ و ۱۲۳۱ قانون مدنی، امکان کنترل قضایی بر شروط کیفری را فراهم آورد.

1 Long

مبنای این اصلاحیه را باید در انصاف و عدالت قراردادی که به‌عنوان نظم عمومی اقتصادی متبلور شده است، جستجو نمود. ارتباط بین تعدیل شرط جزایی با نظم عمومی اقتضا می‌کرد تا دادرس قادر باشد خود شخصاً بدون درخواست اصحاب دعوی مبادرت به تعدیل شروط، اضافه یا کم نماید. این نتیجه‌گیری توسط دکترین مورد تأکید قرار گرفت و به‌وسیله دیوان کشور فرانسه تأیید شد و قانون اکتبر ۱۹۸۵ بر آن صحنه گذاشت.^۱

در سال ۱۹۷۵ بند دومی به ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی الحاق گردید که مطابق آن مقرر شده بود: «... با این وجود قاضی می‌تواند کیفر مورد توافق را کاهش و افزایش دهد. اگر که کیفر مزبور به‌طور آشکار گزاف یا ناچیز باشد هر شرط مخالفی، نانوشته محسوب می‌شود.» مقصود قانون‌گذار اعطا نمودن توانایی صریح به دادرس و به‌صورت کلی توانایی تجدید نظر قضایی بر اساس مقتضیات انصاف بود (یزدانیان، ۱۳۹۸: ۴).

شایان ذکر است اختیار تجدید نظر در شرط جزایی استثنا بر اصل شرط است که نتیجه ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه شده است؛ لذا تنها در مواردی قابل اجرا است که عدم تناسب جدی بین کیفر و زیان وجود داشته باشد. (چاباس^۲، ۱۹۹۸: ۱۳۶) جهت اجرای ماده‌ی فوق سه شرط لازم و ضروری می‌باشد:

شرط اول، محاسبه زیان بایستی قراردادی باشد، هنگامی که محاسبه سبب قراردادی ندارد یک محاسبه قانونی یا یک غرامت اداری است، لذا تعدیل، فرصت اجرا نمی‌یابد.

شرط دوم، محاسبه قراردادی زیان باید با هدف جبران زیان از تخلف متعهد باشد؛ لزوم وقوع تخلف از سوی متعهد سبب می‌شود تا رویه قضایی شروط خسارت را از دایره کنترل قضایی و اعمال تعدیل خارج نماید.

شرط سوم، محاسبه خسارت باید دربرگیرنده مبلغی پول به‌عنوان جبران خسارت باشد. بند اول ماده ۱۱۵۲ صرفاً به شروطی اشاره دارد که دربردارنده پرداخت مبلغی پول است؛ لذا قابلیت تعدیل مشخص در بند دوم ماده فوق به شروطی اختصاص دارد که دارای ماهیت پولی است (همان: ۱۳۹).

روشن است که قابلیت تعدیل شرط جزایی نه تنها در راستای کاهش مبلغ شرط می‌باشد بلکه دادرس می‌تواند در مواقعی که کیفر قراردادی بسیار کم است، مبادرت به افزایش میزان آن نماید (یزدانیان، ۱۳۹۸: ۴). تقلیل شرط کیفری در ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی مصوب ۱۸۰۴ فرانسه در یک مورد پیش‌بینی شده بود، چنانچه تعهد به‌صورت جزئی اعمال شده باشد، جزای قراردادی توسط دادرس می‌توانست با تناسب منافی که اعمال جزئی برای متعهدله فراهم نموده است کاهش یابد. در حقیقت ماده فوق در جهت تعدیل توافق طرفین معامله توسط دولت (مقام قضایی) نیست، بلکه

1. Nicholson v. Am. Fire & CAS. Ins. Co 1965, p52.

2. Chabas

در جایگاه اعمال هدف مشترک صریح یا ضمنی طرفین معامله است، در حقیقت با توجه به قابل تجزیه بودن تعهد دادرسی، هر قسمتی از شرط جزایی را به جزء دیگر از تعهد اصلی مرتبط می‌نماید. به گونه‌ای که با اعمال قسمتی از تعهد و دریافت منفعت توسط متعهدله قسمتی از شرط جزایی از بین خواهد رفت؛ بنابراین چنانچه طرفین معامله عدم تجزیه تعهد را شرط نمایند، دادگاه از اعمال توانایی کاهش شرط جزایی محروم می‌گردد (نیکلاس^۱، ۱۹۸۲: ۲۲).

در ماده ۱۳۸۳ طرح اصلاحی حقوق و تعهدات فرانسه این حق برای قاضی معتبر شناخته شده است، لذا در صورتی که ضمانت اجرای مورد توافق را چنانچه به نحو واضح زیاد باشد، تعدیل نماید (شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳: ۸۱۹)، بنابراین طرفین معامله از زمان وضع قانون ۹ ژوئیه ۱۹۷۵ نمی‌توانند به اراده خود در راه توانایی تجدید نظر قضایی مانع ایجاد نمایند، عدم امکان اعمال جزئی تعهد و به تبع آن تأثیر آن بر اعمال شرط جزایی صرفاً می‌تواند از ماهیت تعهد منشأ گیرد، یعنی تعهد موضوع عقد تنها از راه اعمال تکلیف غیرقابل تجزیه قابل اجرا نیست، یا آنکه قوانین صریح قانونی تقسیم و تجزیه تعهد را منع نموده باشد که در فروض فوق، دادرسی در تعدیل شرط متناسب درجه اجرای تعهد مجاز نیست (همان منبع: ۸۱۹).

قاضی در صورت اثبات اجرای جزئی، می‌تواند کیفر قراردادی را تعدیل نماید (جانک^۲، ۲۰۱۲: ۱۲۱)، اگرچه مانعی جهت توانایی تجدید نظر قضایی در قرارداد قید شده باشد، اما گاهی طرفین قرارداد یک جزای متغیر متناسب با درجه اجرایی قرارداد شرط می‌کنند یا آنکه به صورت کلی تأثیر اجرای جزئی را بر روی مبلغ کل شرط جزایی در قرارداد قید می‌نمایند. مورد بعد در مورد اجرای هم‌زمان ماده ۱۳۵۲ و ۱۲۳۱ است. اصلاحیه ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی بیان می‌دارد که این قدرت تعدیل بدون ایجاد اختلال در اجرای ماده ۱۳۵۲ اعمال می‌شود از این حکم این گونه برداشت می‌شود که این حکم جهت تعدیل شرط جزایی در مواردی کاربرد دارد که ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی قابل اجرا نمی‌باشد؛ یعنی چنانچه تعهد اصلی قابل تجزیه نباشد یا آنکه طرفین قرارداد اجرای جزئی را شرط کنند، در غیاب اجرای ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی شرط جزایی اضافه یا کم مطابق ماده ۱۱۵۲ قابل تعدیل است (کاترین^۳، ۲۰۰۵: ۴۰۹).

در رابطه با تعدیل وجه التزام در حقوق فرانسه فراز و فرودهای زیادی وجود دارد که نهایتاً منجر به این امر شد که خسارت ناشی از وجه التزام قابلیت تعدیل را توسط دادرسی با شرایطی دارا می‌باشد؛ بنابراین در حقوق کشور فرانسه دو نوع رویه در برخورد با این نوع خسارات قابل مشاهده می‌باشند. نوع اول، پذیرش تعدیل در موارد خاص؛ نوع دوم، عدم پذیرش تعدیل همان گونه که در

1. Nicholas
2. Janke
3. Catherine

قبلاً بدان اشاره شده است.

۲-۲. تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی انگلستان

هر بحثی در مورد توافق بر زیان با تقسیم توافق به شرط خسارت مقطوع و شرط کیفری در حقوق انگلیس شروع می‌شود؛ تغییر شرط جزایی از طریق دخالت مقام قضایی در حقوق انگلیس به‌طور کلی در نظام کامن لا سابقه‌ای قدیمی دارد (ویلیام^۱، ۱۹۲۱: ۱۰۲۱).

تصور عمومی این گونه است که توصیف شرط تحت عنوان مجازات در حقوق انگلستان سبب می‌شود تا شرط به‌طور کلی قابل اجرا نبوده و طلبکار جهت جبران خسارت حقیقی خود ناچار به مطالبه خسارت غیرمقطوع مطابق قواعد عمومی مراجعه نماید، دادگاه‌های انگلیس در دعوی توافق بر خسارت اولین مسئله‌ای که مواجه می‌شوند، تفکیک خسارت مقطوع و شرط جزایی است. شرط جزایی در حقوق انگلیس باطل و قابل اجرا نیست و توافق طرفین عقد صرفاً در موردی صحیح است که با هدف جبران خسارت متضرر واقع شود (عابدیان، ۱۳۸۵: ۱۰).

شرط جزایی در حقوق انگلیس به‌طور کامل باطل می‌باشد، پس در ارتباط با تعدیل آن بحثی باقی نمی‌ماند، اما در خصوص خسارت مقطوع، برخی از نویسندگان معتقدند که چنانچه خسارت واقعی از میزان شرط بیشتر باشد، شخص متخلف بایستی بتواند خسارت واقعی خود را که بالاتر است، مطالبه نماید. این اعتقاد در موارد ویژه‌ای از قراردادهای اجاره کشتی در رویه قضائی به رسمیت شناخته شده است. چنانچه قرارداد اجاره کشتی، دربردارنده این شرط است که جزای عدم اجرای توافق از مبلغ کرایه بیشتر نخواهد شد. دادرس بیان نمود که شرط فوق یک مجازات است، نه محدودیت در مسئولیت، بنابراین خواهان این اجازه را دارد تا در مقابل خسارت واقعی خود مطالبه زیان نماید، اگرچه از مبلغ کرایه بیشتر شود (لطفی زاده اطهر، ۱۳۸۵: ۲۵۵).

دو شرط فوق در نظام حقوقی انگلستان با وجود تشابه، در آثار عملی در مورد مقطوع بودن مبلغ شرط با یکدیگر تفاوت دارند؛ یعنی شرط محدودیت مسئولیت، تنها سقف خسارت قابل مطالبه را مشخص می‌کند و متضرر ملزم است تا ورود خسارت در حدود میزان درج‌شده در قرارداد را اثبات نماید.

۲-۳. تعدیل وجه التزام در نظام حقوقی ایران

در بررسی نظام حقوقی ایران ملاحظه می‌گردد که میان شرط کیفری و وجه التزام مقطوع، تفکیک وجود ندارد. حقوق موضوعه همچنین اختلافی مابین وجه التزام زیاد با شرط عادی توافق بر زیان هیچ‌گونه تمایزی قائل نشده است. در فقه امامیه نیز که از منابع حقوق موضوعه محسوب می‌شود، علی‌رغم پیش‌بینی توافق طرف بر زیان با مفهوم تعدیل آن بیگانه است؛ اما بعضی از فقها این

1. William

شروط را دارای غرض عقلایی می‌دانند و از آنجایی که برخلاف شرع و مقتضای عقد نیست در نتیجه نافذ و لازم‌الرعایه می‌دانند. (صانعی، ۱۳۸۴: ۲۰۳) در حقوق مدنی ایران با عنایت به اصل حاکمیت اراده اعتبار مطلق شرط وجه التزام پیش‌بینی شده، همچنین تعهد وجه التزام مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی اجباری می‌باشد، اگرچه از خسارت واقعی یا اصل تعهد چندین برابر بیشتر باشد (امامی، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

بر اساس نظر دیگر، تعیین میزان و مبلغ مشخصی توسط طرفین معامله در بردارنده انصراف آنان از کم یا زیاد بودن خسارت واقعی است. (حائری و شاه باغ، ۱۳۷۶: ۲۰۸) نظریات فوق اجرای نامحدود توافق طرفین بر وجه التزام را توجیه نموده با ظاهر ماده ۲۳۰ قانون مدنی انطباق دارد. قانون محدوده‌ای را برای مقدار وجه التزام مشخص ننموده است و اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقتضی این امر است تا متعهد متخلف در صورت درخواست متعهدله وجه التزام را پرداخت نماید، اگرچه هیچ خسارتی به متعهد وارد نشده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۰۸).

آنچه در نظام حقوق فرانسه بیان شد در حقوق ایران کاربرد ندارد به این دلیل که در حقوق کشور فرانسه دو نوع رویه در این مورد وجود دارد که در حقوق ایران خسارت ناشی از وجه التزام کماکان قراردادی است و توافق طرفین بر این نوع خسارت با توجه به محتوای قوانین این کشور حکم فرماست.

بنابراین با توجه به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در رابطه با خساراتی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج باشد که این نوع خسارت می‌تواند وجه التزام نیز باشد. با امتناع مدیون از پرداخت در صورت داشتن تمکن دادگاه می‌تواند با رعایت تناسب مبلغ مورد نظر را تعدیل نماید. این نوع تعدیل در رابطه با خساراتی است که مبلغ آن با توجه به نرخ بانک مرکزی تعیین می‌گردد؛ اما در قسمت اخیر ماده مزبور چنین مقرر شده است که «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند»، بنابراین این ماده تا آنجایی می‌تواند به تعدیل بپردازد که توافق طرفین در رابطه با خسارت ساکت باشد یا به عبارتی در این رابطه توافقی وجود نداشته باشد؛ بنابراین با عنایت به ماده مذکور نمی‌توان قائل به تعدیل وجه التزام مزبور از جانب مقام قضایی بود. همین‌طور ماده ۲۳۰ قانون مدنی در رابطه با خسارت تأخیر تأدیه قراردادی، حاکم نمی‌تواند طرف متعهد را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور درباره تعیین وجه التزام قراردادی در تعهدات مالی بیش از شاخص نرخ تورم اعلامی موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، یک رأی وحدت رویه صادر کرده است. با توجه به اینکه در خصوص اعتبار قانونی تعیین وجه التزام قراردادی در تعهدات مالی بیش از شاخص نرخ تورم اعلامی موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی از سوی دادگاه‌ها، آراء مختلف صادر شده بود، موضوع از طریق معاونت هیئت عمومی دیوان عالی

جهت صدور رأی وحدت رویه به ریاست دیوان عالی کشور گزارش و در جلسه ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ هیئت عمومی مطرح شد.

بر اساس نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور با توجه به ذیل ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی، تعیین وجه التزام در تعهدات پولی، گرچه بیش از شاخص نرخ تورم اعلامی باشد، معتبر است و دادگاه‌ها باید بر اساس توافق انجام شده رأی صادر کنند؛ بنابراین با توجه به رأی وحدت رویه اخیر التصویب در حقوق ایران در تعهدات پولی مزبور دادگاه نمی‌تواند در میزان وجه التزام تعیین شده طرفین در قرارداد دخل و تصرفی نماید، بنابراین در کشور ایران بدون هیچ‌گونه شائبه‌ای پیرامون موضوع مزبور این نوع از خسارات قابل تعدیل نمی‌باشد.

۳. تطبیق حقوق ایران و فرانسه پیرامون تعدیل وجه التزام

از آنجا که قانون مدنی ایران و قانون مدنی فرانسه هر دو از مقررات مشخصی در حقوق تعهدات متابعت می‌نمایند، لذا در صورت تجزیه‌پذیر بودن تعهد اصلی و انتفاع دائم از اجرای قسمتی از تعهد در حقوق ایران این نظر بر هدف مشترک طرفین مبتنی است و از حکم مستقیم قانونی تبعیت نکرده است. پس تعدیل هنگامی نافذ است که طرفین برخلاف آن شرط نکرده باشند و این موضوع برخلاف قانون مدنی فرانسه می‌باشد که مطابق اصلاحات سال ۱۹۷۵ شرط خلاف تعدیل در موارد اعمال قسمتی از قرارداد معتبر نبوده و نانوشته تلقی می‌گردد. قابل ذکر است که برخلاف نظر بعضی از حقوقدانان که بر تجزیه‌ناپذیر بودن وجه التزام اصرار می‌کنند و تعدیل را با مفاد ماده ۲۳۰ قانون مدنی سازگار می‌دانند، رویه قضایی تعدیل مبنی بر تجزیه وجه التزام را پذیرفته است (عادل، ۱۳۸۰: ۹۵).

بر این اساس مسأله پیش رو این است که چنانچه جزئی از قرارداد نقض گردد وجه التزام مشخص در قرارداد که برای تمام تعهد در نظر گرفته شده نسبت به نقض قسمتی از تعهد کل وجه التزام تعلق می‌گیرد یا به نسبت مقدار نقص بایستی تعدیل گردد؟ در این مورد ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه به دادرس این اختیار را داده تا در صورت نقض قرارداد میزان وجه التزام را به مقدار خسارت وارده تعدیل نماید و هر توافق برخلاف این ماده باطل می‌باشد و این امر همان‌گونه که با قواعد انصاف مرتبط است با هدف مشترک طرفین نیز هم‌سو است؛ زیرا هدف از قرار دادن وجه التزام در عقود، جهت عدم اجرای تعهد بوده، نه جزئی از آن؛ زیرا که اگر برخلاف این اصل عمل شود راه اجحاف بر افراد بازمی‌گردد.

در حقوق ایران از ظاهر ماده ۲۳۰ قانون مدنی برمی‌آید که مقنن با تعدیل خسارت از طرف قاضی مخالف بوده و این امر را ممنوع دانسته است، با این حال از روح قوانین قابل درک است که وجه

التزام نوعی خسارت است که چنانچه از میزان زیان واقعی به مقدار فاحشی بیشتر باشد، دادگاه می تواند تعدیل خسارت پرداختی را حکم دهد. در فرض تعدیل جهت اعمال بخشی از تعهد در قرارداد نیز باید گفت سه شرط اصلی شامل قابل تجزیه بودن تعهد اصلی، انتفاع متعهدله از اجرای قسمتی از تعهد و عدم شرط خلاف تعدیل رعایت شود.

اگرچه برخی از نویسندگان به طور مطلق به تقلیل شرط کیفری نسبت به اعمال قسمتی از تعهد اظهار نظر نموده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۶۴)؛ اما استنباط فوق، با تفسیر منطقی از هدف مشترک طرفین سازگار نبوده است، شایسته نیست متعهد با در اختیار گرفتن قسمتی از موضوع تعهد که کلید استفاده از دیگر قسمت های تعهد است در مقام اذیت ذی نفع درآمده و در نتیجه در پی اقامه دعوا تنها به پرداخت قسمتی از وجه التزام محکوم شود.

بعضی از حقوقدانان با تکیه بر ظاهر ماده ۲۳۰ قانون مدنی به صورت کلی تعدیل وجه التزام در برابر اعمال قسمتی را نفی نمودند، مگر در صورتی که طرفین شرط موافق با تعدیل نمایند. (دفتری، ۱۳۴۳: ۲۴۶) اما با سه شرط فوق به این نتیجه که با اعمال بخشی از تعهد وجه التزام تجزیه پذیر است می رسیم، مگر در صورتی که خلاف آن شرط شود؛ به بیان دیگر شرط تعدیل لازمه اجرای تعدیل نیست، بلکه تنها شرط خلاف تعدیل از دخالت قضایی و اعمال تعدیل منع می نماید.

اما در جایی که طرفین در قرارداد بخواهند تعدیلی صورت بگیرد، می توانند در قرارداد این را تحت عنوان شرط ضمن عقد بیاورند که مبلغ قراردادی وجه التزام آنها می تواند توسط مقام قضایی کاهش یابد یا اینکه افزایش یابد؛ اما در غیر این صورت در حقوق ایران چنین امکانی توسط دادرس مهیا نیست که بخواهد وجه التزام قراردادی طرفین را مورد تغییر و یا تعدیل قرار دهد؛ اما در حقوق فرانسه در مواردی این امکان فراهم است که دادرس بتواند وجه التزام تعیین طرفین را مورد تعدیل یا تغییر قرار دهد.

۴. تعدیل وجه التزام در اسناد بین المللی

با جهانی شدن اقتصاد و با توجه به مبادلات تجاری موضوع تنظیم قراردادهای بین المللی و آثار ناشی از آن نیز دارای اهمیت بیشتری گردید. یکی از این موارد درج شرط التزام در قراردادهاست که در اسناد بین المللی مرتبط به این موضوع و بحث تعدیل آن پرداخته شده که مختصراً مورد مطالعه قرار می گیرد.

۴-۱. اصول قراردادهای اروپا

در بند ۲ از ماده ۵۰۹-۹ از اصول قراردادهای اروپا، تعدیل وجه التزام با شرایط خاصی پیش بینی گردیده است، در این بند این گونه بیان شده که «... به رغم هرگونه توافقی برخلاف آن هنگامی که مبلغ معین شده با توجه به ضررهای ناشی از عدم اجرا و اوضاع و احوال دیگر شدیداً گزاف باشد،

مبلغ مزبور می‌تواند به یک مبلغ معقول تقلیل یابد.» مقرر فوق برگرفته از حقوق فرانسه مخصوصاً ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی این کشور که در سال ۱۹۷۵ اصلاح گردید و همچنین رویه حاکم بر حقوق انگلیس وضع گردیده است. (لويسون^۱، ۱۹۸۹: ۲۲) در این مورد این چنین اظهار نظر شده است: در صورتی که اثبات شود ضرر واقعی از مبلغ تعیین شده کمتر باشد، طرف متضرر می‌تواند با اثبات ضرر واقعی مابه‌التفاوت مبلغ را دریافت دارد (بیل^۲، ۲۰۰: ۴۵۴).

اما این گونه به نظر می‌رسد که اظهار نظر فوق با اصول مذکور از ماده ۵۰۹-۹ مطابقت نداشته باشد؛ زیرا که امکان تعدیل وابسته به این امر است که اختلاف بین خسارت واقعی و وجه التزام، «شدیداً گزاف» باشد، به صورتی که یک اختلاف غیرمنطقی را ایجاد نماید، بنابراین هر نوع اختلاف تعدیل را منطقی نمی‌سازد، بلکه قائل شدن به این نوع تعدیل شرط وجه التزام را از مقاصد خود دور ساخته و آن را بی‌هدف می‌نماید.

۲-۴. قراردادهای تجاری بین‌المللی

در مورد قراردادهای تجاری بین‌المللی، قانون حاکم بر قرارداد ممکن است متفاوت باشد و بر این اساس باید دید قانون حاکم چه تجویز یا ممنوعیتی در این زمینه دارد؛ اما در اشاره به برخی اسناد به‌طور مثال دربند ۱ از ماده ۴-۷-۱۳ یونی‌دوگا^۳ چنین اشعار می‌دارد که: «اگر در قرارداد پیش‌بینی شده باشد که طرفی که وظایف قراردادی خویش را انجام ندهد، بایستی مبلغ معینی را به‌عنوان خسارت به طرف زیان‌دیده پردازد، قطع نظر از مقدار زیان واقعی، زیان‌دیده مستحق دریافت آن است» و در بند ۲ همان ماده نیز اشاره نموده است که، چنانچه مبلغ وجه التزام به‌طور روشن در قیاس با ضرر واقعی گزاف و سنگین باشد، مقام رسیدگی‌کننده به آن می‌تواند آن را تعدیل نماید و کما اینکه خلاف آن بین آنها توافق شده باشد. لذا اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز همان هدف اصول قراردادهای اروپا را در برگرفته است و تعدیل وجه التزام به‌شرط آنکه میزان آن غیرمنطقی و به نحو زیاد گزاف باشد را قابل قبول دانسته است.

۳-۴. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قوانینی نسبت به وجه التزام وجود ندارد که به نظر می‌رسد این امر بر بی‌اعتباری شرط در کنوانسیون دلالت ندارد، بلکه مطابق اصل حاکمیت اراده وجه التزام را در کنوانسیون می‌توان معتبر دانست، سؤالی که مطرح می‌شود، این چنین است. ذیل ماده ۷۴ کنوانسیون در مورد خسارات قابل مطالبه محدودیتی قائل گردیده به این شرح که «...چنین

1. Lewison

2. beal

3. UNIDROI

خسارتی نمی تواند از زیانی که نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد در سایر امور و وقایعی که او نسبت به آن آگاه بود یا می بایست آگاه باشد و به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش بینی نموده یا می بایست پیش بینی می نموده است، فراتر رود.» آیا این محدودیت باید نسبت به وجه التزام نیز اجرا گردد یا خیر؟ برخلاف اینکه ممکن است تصور شود وجه التزام بر فرض قبول در کنوانسیون قابل تعدیل نیست، اما به نظر می رسد با توجه به اصول پذیرفته شده در حقوق کشورهای که کنوانسیون از آنها تأثیر گرفته و به آنها اشاره شده و همچنین اطلاق ماده ۷۴ کنوانسیون، همان طور که در دیگر اسناد به طور صریح بیان گردید، وجه التزام اگر به صورت غیر قابل پیش بینی گزاف باشد تا میزان منطقی آن قابل تعدیل خواهد بود، یعنی خسارت قابل پرداخت همچنان وابسته به ضابطه قابلیت پیش بینی در قسمت دوم ماده است، اگر طرفین معامله در زمان انعقاد عقد طرفین از این امر که میزان خسارت مشخص شده بیشتر از میزان خسارت واقعی است، مطلع باشند میزان اضافه بر زیان قابلیت مطالبه را نخواهد داشت (زُلر^۱، ۲۰۱۲: ۱۸۴).

با این وجود یقیناً در کنوانسیون نیز باید شرط اختلاف «شدیداً فاحش» رعایت شده که در این مورد دادگاه یا دیوان داوری می تواند وجه التزام را تعدیل کند؛ بنابراین در اسناد بین المللی نیز با توجه به مواد پیش گفته امکان تغییر و تعدیل وجه التزام قراردادی توسط دادرس فراهم شده است.

بحث و نتیجه گیری

اصل حاکمیت اراده بیانگر این امر می باشد که توافق طرفین در تشخیص مبلغ خسارت معتبر و الزام آور است، تعیین وجه التزام علاوه بر عدم اجرای تعهد هنگام تأخیر در انجام تعهد نیز معتبر و صحیح می باشد. گاهی طرفین قرارداد زیان ناشی از نقض را از قبل مشخص و معین می نمایند و مبلغی را به صورت قطعی قرار می دهند که در صورت نقض تعهد به شخص مقصر پرداخت می گردد. ممکن است طرفین در قرارداد بر تعدیل وجه التزام شرط نموده باشند که تعدیل شامل کاهش و افزایش میزان خسارت مشخص شده می باشد. در خصوص امکان تعدیل وجه التزام توسط قاضی یا داور و با عنایت به مطالب بیان شده می توان گفت، وجه التزام قراردادی می باشد، به عبارتی دیگر در همه موارد در اغلب نظام های حقوقی جهان، تعیین وجه التزام یا شرط جزایی در قرارداد برای نقض تعهد است که شامل عدم انجام تعهد و یا تأخیر در اجرای تعهد می باشد. ماهیت آن به این صورت است که دو طرف آن را در قرارداد تعیین می نمایند و از سویی دیگر دارای جنبه جریمه است (به عبارتی هم جنبه ترمیمی و هم جنبه تنبیهی دارد). همچنین در رابطه با تعدیل وجه التزام نیز حقوق کشورهای مختلف تجویزهای متفاوت دارند از جمله در حقوق فرانسه: قاضی نمی تواند در وجه التزام قراردادی دخل و تصرف نماید و تنها در مورد خاصی هرگاه تعادل میان

1. Zeller

زیان و خسارت قابل پرداخت فاصله‌ی زیادی وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند، مبلغ مورد پرداخت را متعادل نماید. جهت اجرای ماده‌ی فوق سه شرط لازم و ضروری می‌باشد:

شرط اول، محاسبه زیان بایستی قراردادی باشد؛ هنگامی که محاسبه سبب قراردادی ندارد، یک محاسبه قانونی یا یک غرامت اداری است، تعدیل فرصت اجرا نمی‌یابد. شرط دوم، محاسبه قراردادی زیان باید با هدف جبران زیان از تخلف متعهد باشد. لزوم وقوع تخلف از سوی متعهد سبب می‌شود تا رویه قضایی شروط خسارت را از دایره کنترل قضایی و اعمال تعدیل خارج نماید. شرط سوم، محاسبه خسارت باید دربرگیرنده مبلغی پول به‌عنوان جبران خسارت باشد. در نظام حقوقی انگلستان شرط جزایی در حقوق انگلیس باطل است و قابل اجرا نیست و توافق طرفین عقد صرفاً در موردی صحیح است که با هدف جبران خسارت متضرر واقع شود. در قانون مدنی ایران با عنایت به اصل حاکمیت اراده اعتبار مطلق شرط وجه التزام پیش‌بینی شده و همچنین تعهد وجه التزام مطابق قانون مدنی اجباری می‌باشد، اگرچه چندین برابر خسارت واقعی یا اصل تعهد باشد.

در اسناد بین‌المللی نیز تعدیل وجه التزام مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب که در اصول قراردادهای اروپا، تعدیل وجه التزام با شرایط خاصی پیش‌بینی گردیده است. در سند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تعدیل وجه التزام به شرط آنکه میزان آن غیرمنطقی و به نحو زیاد گزاف باشد را قابل قبول دانسته است. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وجه التزام اگر به صورت غیرقابل پیش‌بینی گزاف باشد تا میزان منطقی آن قابل تعدیل خواهد بود. در حقوق ایران با توجه به قوانین مرتبط در رابطه با تعدیل وجه التزام باید اذعان نمود که این نوع از خسارات قابل تعدیل توسط کسی غیر از طرفین قرارداد اعم از دولت یا قاضی نمی‌باشد، لذا با توجه به اصل لزوم قراردادها همان خسارتی که طرفین در قرارداد منعکس نموده‌اند، قابل مطالبه خواهد بود. لذا می‌توان گفت رویه مذکور نوعی است و در همه موارد به یک شکل اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد در این مورد اشکالاتی خواهد بود، از جمله زمانی که یکی از طرفین با استفاده از قدرت نابرابر بخواهد از طرف خود سوءاستفاده کند و وجه التزام سنگینی قرار دهد، باید یک شیوه‌ای باشد تا در چنین مواردی حقوق اشخاص ضعیف تأمین گردد.

پیشنهادها

قانون‌گذار به‌جای استفاده از راهکار نوعی در همه قراردادهای، یک رویه همانند قانون فرانسه در پیش بگیرد یا از شیوه شخصی بهره‌برد و در مواقعی که این نوع خسارات به شدت گزاف و ناعادلانه باشد از ابزار حقوق استفاده نماید و با تعدیل وجه التزام در این موارد، به اجرای عدالت کمک نماید.

منابع

- امامی، حسن. (۱۳۷۸). حقوق مدنی. جلد اول. اسلامیه.
- پاسبان، محمدرضا و دیگران. (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی نهاد وجه التزام با تأکید بر نظام حقوقی کامن لا و رومی ژرمنی. دانش حقوق مدنی، ۳(۲).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. جلد پنجم. چاپ سوم. گنج دانش.
- (۱۳۸۸). حقوق اسلامی. جلد اول. گنج دانش.
- حائری شاه باغ، علی. (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی. گنج دانش.
- سماواتی، حشمت‌الله. (۱۳۸۵). خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی. چاپ سوم. خط سوم.
- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم. (۱۳۹۳). حقوق تعهدات. شهر دانش.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۴). استفتائات قضایی. جلد دوم. میزان.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم. چاپ چهارم. میزان.
- عابدیان، میرحسین. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی قابلیت اجرایی شروط کیفی در قراردادها. مجله تخصصی دانشگاه علوم سیاسی رضوی، (۱۹)، ۴۵-۶۸.
- عادل، مرتضی. (۱۳۸۰). توافق بر خسارت در قراردادها. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۵۳)، ۹۳-۷۳.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات. چاپ اول. دادگستر.
- قربان‌وند، محمداقبر. (۱۳۸۴). تحلیل موقعیت وجه التزام در قراردادها. کانون وکلای دادگستری مرکز.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادها. جلد چهارم. چاپ هفتم. شرکت سهامی انتشار.
- لطفی‌زاده اطهر، وجیه‌الله. (۱۳۷۵). مطالعه خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا [پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه شهید بهشتی].
- (۱۳۸۴). حقوق مدنی، وقایع حقوقی. شرکت سهامی انتشار.
- (۱۳۸۶). الزامات خارج از قرارداد، ضمان قهری. دانشگاه تهران.
- متین‌دفتری، احمد. (۱۳۴۳). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. بیتا.
- مقصودی پاشاکی، رضا. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی وجه التزام. [رساله دکتری حقوق خصوصی. دانشگاه شهید بهشتی].
- یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۸). مفهوم و آثار مطالبه (Mise en demeure) در تعهدات مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. مطالعات حقوقی دانشگاه تهران، ۱۱(۳)، ۶۵-۵۵.
- Catherine M. S. (2005). *Calabresi's The Cost of Accidents: A Generation of Impact on Law and Scholarship: Revisiting the Noninsurable Costs of Accidents*, 64 MD.L.REV
- Francois, Ch (1998). *Leçons de Droit Civil, Tome II, Obligations*, 9th Ed John Long, (1976) Punitive Damages: An Unsettled Doctrine, 25 DRAKE L.REV.
- Janke, B. W., Licari, F. X. (2012). Enforcing punitive damage awards in France after fountain Pajot. *The American Journal of Comparative Law*, 60(3), 775-804.
- <https://ssrn.com/abstract=1985578>
- Lewison, K. (1989). *the interpretation of contracts*, London, sweet & Maxwel Publishing.



- Lando, O., & Beale, H. G. (Eds.). (2000). *Principles of European contract law: Parts I and II*. Kluwer Law International BV.
- Nicholas, B. (1982). *French law of contract*, London: Butterworth
- Waddams, S. (2004). *the Law of Damages*, Toronto: Law Book Inc.
- Zeller, B. (2005). *Damages under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Oceana: NY Publishing.